



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۸/۰۳



نویسنده: ن . جلیل زاد

هموطنان عزیز، برخاستن، سرود ماست

از خاکستر تا ستاره
نوری که خاموش نمی شود
در رگ های ما، خون ایستادگی جاریست
فردا را با دستان خود می سازیم
زندگی گاهی ما را به زانو در می آورد، اما هرگز مجبور ما نمیکند که همان جا بمانیم .
سرنوشت ما را در گودال های درد فرو می برد، اما تصمیم برخاستن همیشه در دست خود ماست.
ما مردمی هستیم که تاریخ ما با رنج نوشته شده، اما همان تاریخ، نیز داستان برخاستن های بی شمار ماست .
هر نسل از ما زخمی تازه به یادگار گرفته، اما هیچ نسلی از ما تسلیم نشده .
این همان رشته ای است که ما را به نیاکان ما پیوند می دهد ، رشته ای از عزم، از صبر، از ایمان به فردا.
امروز، در این لحظه ای که سنگین تر از هر لحظه ای دیگر به نظر می رسد، باید به خود یادآوری کنیم که درد، پایان راه نیست ، آغاز دگرگونی است .
کسی که رنج کشیده، اگر آن رنج را به خشم کور نسپارد، بلکه آن را به شعله ای برای ساختن تبدیل کند، دیگر قربانی نیست ، سازنده است.
هموطن من،
تو که شب های بی خوابی را با ترس و نگرانی گذرانده ای، تو که بار خیانت و بی عدالتی را بر دوش کشیده ای، بدان که وجود تو، همین ایستادگی روزانه ات، خود یک پیروزی است .
هر روزی که با وجود همه ای سختی ها بلند می شوی ، بر می خیزی ، کار می کنی، فرزندت را میبوسی، برای فردا امید می بندی، تو در حقیقت تاریخ می سازی.
ما نباید منتظر بمانیم که کسی بیاید و ما را نجات دهد .
نجات از دل خود ما، از اراده ای جمعی ما، از دست های ما که به هم گره می خورند، بیرون می آید .
وقتی یک نفر برمی خیزد، شاید کوچک به نظر برسد ، اما وقتی هزاران نفر با هم برمی خیزند، آن گاه کوهی از نور شکل می گیرد که هیچ تاریکی یارای ایستادگی در برابرش را ندارد.
ما فرزندان سرزمینی هستیم که در دل خاکش، هزاران داستان از عبور از سختی نهفته است. مردمی که بارها زیر آوار مانده اند و باز از دل خاکستر برخاسته اند .
این خصلت در خون ماست ، در فرهنگ ماست، در شعرهایی است که مادران ما برای ما زمزمه کرده اند.
پس بیایید امروز با هم عهد کنیم:
که درد را به بهانه ای برای سکوت تبدیل نکنیم، بلکه به سوختی برای حرکت بدل سازیم.
که در برابر بی عدالتی، به جای تسلیم، صدای خود را بلند کنیم ، نه با کینه، بلکه با شرافت.
که به جای نگاه به گذشته های تلخ، چشم به فردایی بدویم که با دستان خود ما می سازیم.
هیچ کس نمی تواند نور درون ما را خاموش کند، مگر آنکه خود ما اجازه دهیم .
هیچ زنجیری آن قدر محکم نیست که اراده ای جمعی یک ملت را برای همیشه در بند نگه دارد.
بیایید دست یکدیگر را بگیریم ، نه از روی ضعف، بلکه از روی قدرت .
بیایید به هم یادآوری کنیم که تنها نیستیم .

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په ځیر و لولئ

که هر یک از ما، در گوشه ای از این سرزمین، همان شعله ای کوچکی هستیم که وقتی به هم می پیوندیم، آتشی می شویم که راه فردا را روشن می کند.
برخاستن، انتخابی سخت است، اما شریفترین انتخاب ماست.
ایستادن، مسیری پر از درد است، اما با کرامت است.
ساختن، کاری طاقت فرسات، اما ثمره اش جاودان است.
هموطن عزیز،
امروز به خودت بگو :
من هنوز ایستاده ام .
من هنوز امید دارم .
من هنوز برای فردا می سازم.
و بدان که این سرزمین، با همه ی زخم هایش، هنوز نفس می کشد ، زیرا تو، من، ما، هنوز نفس می کشیم.
نور خاموش نمی شود، مگر آنکه ما خود آن را رها کنیم.
پس بیایید آن را روشن نگه داریم.
امروز، فردا، و تا ابد.
۲ اگست ۲۰۲۶

آرشیف: مطالب نشر شده ن. جلیل زاد